

هو الله - ای حضرت امین علیک بهاء الله و ثنائه. خدمات...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۴۴

هو الله

ای حضرت امین علیک بهاء الله و ثنائیه. خدمات آن جناب در آستان الهی چه در ایام ظهور چه بعد از صعود مشهود و این از اعظم فیوضات ربّ جنود است. فاشکر الله علی ذلک و اثن علیه. این از فضل جمال مبارک است که چون من و چون امثال من به این مواهب موفّق و مؤید می گردد. پس کف ابتهال را به درگاه ذوالجلال باز کن و آغاز این نیاز فرما که پروردگارا محض فضل عظیم و لطف عمیم نابود و تباهی را پناهی عنایت فرمودی و در بارگاه الهی راه دادی و آگاهی بخشیدی و به نور صبحگاهی و فیض نامتناهی هدایت فرمودی و بر خدمت موفّق کردی احسان و جودت چنان وجود را احاطه نموده است که ذرات حکم نیرات یافته است و قطرات موج بحیرات پیدا نموده از فضل و فیض دمادمت و پرتو آفتاب موهبتت هر گیاهی درخت بارور شده است و هر اعشایی گل و ریحان و سنبل و ضمیران گردیده است این عبد را تا نفس پایان بر خدمتت مستدام بدار. ع

چند مراسله پیاپی ارسال گردید انشاء الله خواهد رسید عنقریب در این ایام اریاح امتحان از شطرافتتان به هبوب آید و گردباد آزمایش از هر جهت به حرکت آید و آنچه در الواح الهیه اخبار داده شده است کلّ ظاهر گردد و چون امر عظیم است البتّه امتحان عظیم خواهد بود. هر سال که بهارش رشک فردوس جنان است و ربیعش لطیف و بدیع و گل و ریحانش و سنبل و ضمیرانش در غایت طراوت و لطافت



ORIGINAL



AUDIO

و میوه و بارش و فواکه مشکبارش در نهایت حلاوت البتّه طوفان بارانش و بوران زمستانش و برف و یخ و طغیان سیل روانش نیز شدید است. تا این شدّت برودت احاطه ننماید آن بهار جان پرور جهان را نیاراید و جمال گل چهره نگشاید و مرغان چمن نسراید و کوه و دشت رشک بهشت برین نگردد. باری امر الله آنچه امتحانش عظیم و افتتانش شدید شود قوّت و قدرتش در عالم ظهور پدید گردد و انوارش در شرق و غرب جهان ساطع و مضعی شود.

حمد جمال قدم و اسم اعظم را که ارکان نفاق را در مدینه کبیره از بنیاد بر انداخت و ریشه شقاق را بکلی قطع نمود. شیخ احمد عنود و آقاخان مردود را با جمیع عونه اسیر ذلّ و خذلان فرمود و در جمیع نقاط عالم امرش را تأیید کرد دوستانش را در کلّ مواقع به جنود ملأ اعلیٰ نصرت کرد و معاندان را در جمیع مقامات ذلیل نمود صدق طویّت و خیریت نیت و صداقت و امانت و دیانتشان را نزد کلّ واضح و مشهود فرمود و فساد و عناد و فتنه و کینه بد خواهان را مشهود و معلوم کرد در نزد جمیع حکومت عالم ثابت و مقرر داشت که این حزب مأمور به اطاعت و وفاند و ممنوع از مخاصمه و شقاق خیر خواهان دولتند و محبان و دوستان سلطنت سریر شهریاری را مطیع و منقادند و درگاه خسروی را به جان و دل بنده آزاد، طوعاً خادمند و به طیب خواطر ملازم. این کیفیت تا به حال مجهول بود بلکه برعکس مشتبه و نامعلوم حال الحمد لله به عون و عنایت اسم اعظم حقیقت حال معلوم و مشهود گردید جمیع راهها استوار شد و هر سنگلاخ هموار، از خارج مشکلی نماند و از اعداء صندید معاندی نماند معاندان باقی را شأن و وجودی نه و دشمنان صمیمی را قدر و شهودی نیست این از جهت طوائف سائره و اعداء خاسره. اما در امر مبین و نبأ اعظمش نیز بیست و پنج سال پیش در کتاب اقدس عظیمش که لوح محفوظ الهی و امّ الکتاب ربّانی بود به نصّ صریح و فصل خطاب صحیح منهج قویم قدیم و صراط مستقیم را واضح و دلیل جلیش را لائح فرمود و شریک و سهم در امر عظیم و سلطان مبدیش نگذاشت و جمیع دوستان را چون طفل رضیع از این ثدی عزیز در این مدت مدیده شیر داد و رکن شدید را آشکار و پدید کرد.

پس به اثر قلم اعلیٰ از ملأ انشاء و اهل ملأ اعلیٰ و اهل سرادق قدس خلف حجبات بقا عهد و پیمان گرفت و قسم و ایمان یاد فرمود که ثابتین را به جنود ملکوت ابهی نصرت فرماید و راسخین را به قبیل ملائکه از افق اعلیٰ حمایت، مارقین را اسیر خذلان کند و متزلزین را اجیر شیطان، امری را مستور نداشت و شبهه ای نگذاشت ولی پیمان به این عظیم را البتّه تزلزل شدید حاصل گردد و میثاق به این وثیق را البتّه ناقص ناقص غیر مستقیم مشهود آید این از سنن الهیه است و از امتحانات لاریبیه و لن تجد لسنة الله تبديلاً. امیدوارم که این گونه امور واقع نگردد و از این قبیل وساوس به میدان نیاید. اولاً این که میثاق شدید و بنیان پیمان از زیر حدید، ثانیاً آن که این عبد را با نفسی کلفتی نه و تعرضی نیست تکلیفی ندارم و تمیزی نجویم درگاه جمال مبارک را عبد فانیم و آستان مقدّس را پاسبانی دانی با کسی معارضه نکم و منازعه ننمایم سر تسلیم دارم و قلبی سلیم من شاء فلیتمسک بعروة الله الوثقی و حبله المتین و من شاء فلیتزلزل فی میثاقه

الغلیظ و امره المبین. باری این را بدان اگر کلّ احبّای الهی نعوذ بالله متزلزل شوند این عبد در حقّ نفسی
تویخ روا ندارم و حرفی بر زبان نرانم به خدا واگذارم و به عروّه تسلیم و رضا تشبّث نمایم. ولی این را بدان
که این نور مبین را هیچ حجابی حائل نگردد و هیچ نقابی ساطر نشود فسوف تری المتزلزلون فی خسران
مبین. ع.ع

